

## **Analysis of the Rise and Fall of the Qajar Dynasty Based on Ibn Khaldun's Theory**

**Mohammad Mahdi Dehghani**<sup>1</sup>

**Akbar Ashrafi**<sup>2\*</sup>

**Abbas Ali Rahbar**<sup>3</sup>

**Habibollah Abolhasan Shirazi**<sup>4</sup>

**Received on: 17/01/2022**

**Accepted on: 07/04/2022**

### **Abstract**

The research aims to study the rise and fall reasons of the Qajar dynasty, with historical study and the descriptive-analytical method. Its emphasis is on the causes and factors of the decline and fall of this government based on Ibn Khaldun's theory. Ibn Khaldun's theory has been chosen as a theoretical framework; By mentioning this point that in explaining the rise and fall of contemporary governments, including Qajar, it is necessary to revise this theory and consider new factors in this regard. For this purpose, in addition to evaluating and updating Ibn Khaldun's theoretical indicators such as nervousness, patronage, and types of corruption, attention has been paid to the new factors that are effective in the stability and especially in the fall of governments in the contemporary era, including foreign intervention and new technologies. The findings of the research compiled based on authentic historical documents show that the origin and continuation of Qajar with Ibn Khaldun's theory and its decline and fall with Neo-Khaldun's theory can be studied and explained more accurately, and they are more compatible with the existing facts and historical evidence.

**Keywords:** Qajar Government, NeoKhaldun's Theory, Nervousness, Corruption, Foreign Intervention.

- 
1. PhD Candidate, Department of Political Science, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. (Email: civil1375@yahoo.com)
  - 2\*. Assistant Professor, Department of Political Science, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. (Corresponding Author: akbarashrafi552@gmail.com)
  3. Associate Professor, Department of Political Science, Allameh Tabatabaie University, Tehran, Iran, Visiting Professor of Azad University. (Email: ab.rahbar@yahoo.com)
  4. Associate Professor, Department of Political Science, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. (Email: Habib\_shirazi@yahoo.com)

## تحلیل ظهور و سقوط سلسله قاجاریه براساس نظریه ابن خلدون

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۰/۲۷

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۱/۱۸

محمد مهدی دهقانی<sup>۱</sup>

اکبر اشرفی<sup>۲\*</sup>

عباسعلی رهبر<sup>۳</sup>

حبیب‌اله ابوالحسن شیرازی<sup>۴</sup>

### چکیده

پژوهش حاضر در نظر دارد با مطالعه تاریخی و استفاده از روش توصیفی - تحلیلی، علل ظهور و سقوط سلسله قاجاریه را با تأکید بیشتر بر دلایل و عوامل زوال و سقوط این حکومت براساس نظریه ابن خلدون بررسی و تبیین نماید. نظریه ابن خلدون به عنوان چهارچوب نظری انتخاب شده است؛ با ذکر این نکته که در تبیین ظهور و سقوط حکومت‌های معاصر از جمله قاجاریه لازم است این نظریه بازنگری شده و عوامل جدید نیز در این خصوص مدنظر قرار گیرند.

بدین منظور علاوه بر ارزیابی و به‌روز نمودن شاخص‌های نظریه ابن خلدون از قبیل عصبيت، موالی و انواع فساد، به عوامل جدیدی که در دوران معاصر در پایداری و بویژه در سقوط حکومت‌ها مؤثر هستند، شامل دخالت خارجی و فناوری‌های نوین، توجه شده است. یافته‌های پژوهش که براساس مستندات معتبر تاریخی تدوین شده، نشان می‌دهد پیدایش و استمرار قاجاریه با نظریه ابن خلدون و زوال و سقوط آن با نظریه نوخلدونی قابل بررسی و تبیین دقیق‌تر و کامل‌تری است و با واقعیات موجود و شواهد تاریخی تطبیق بیشتری دارد.

**واژگان کلیدی:** حکومت قاجار، نظریه نوخلدونی، عصبيت، فساد، دخالت خارجی.

۱. دانشجوی دکتری گروه اندیشه سیاسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. (صفحه ۱۹۷-۲۲۰)

(civil1375@yahoo.com)

۲. استاد یار گروه علوم سیاسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول:

akbarashrafi552@gmail.com)

۳. دانشیار گروه علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران، استاد مدعو دانشگاه آزاد. (ab rahbar@yahoo.com)

۴. دانشیار گروه علوم سیاسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. (Habib\_shirazi@yahoo.com)

## مقدمه

بررسی و تحلیل چگونگی پدیدآمدن و نیز زوال و سقوط حکومت‌ها از جمله مهمترین موضوعات مورد علاقه اندیشمندان و پژوهشگران علوم سیاسی و جامعه‌شناسی سیاسی است. یکی از این اندیشمندان، ابن‌خلدون، متفکر مسلمان تونس است که در قرن هشتم هجری مطابق با قرن چهاردهم میلادی و شروع دوران نوزایی غرب، می‌زیسته، دوران پرفراز و نشیبی را گذرانده و حوادث فراوانی را بویژه در عرصه‌ی سیاسی و اجتماعی، تجربه کرده است. دولت‌های اسلامی معاصر وی در شمال آفریقا و اندلس (اسپانیای امروزی) دوره انحطاط و زوال خود را سپری می‌کردند؛ که این موضوع تاثیر آشکاری در شکل‌گیری تفکرات او گذاشت و درصدد برآمد به این سوال پاسخ دهد که اصولاً چرا حکومت‌ها دچار زوال و فروپاشی می‌شوند؟ پس به مطالعات عمیق تاریخی پرداخت و حاصل تلاش‌های فکری خود را در کتابی با نام العبر منتشر نمود و به چگونگی پدید آمدن حکومت‌ها، علل بقاء و نابودی آن‌ها پرداخت و الگویی ملموس و واقع‌گرایانه در این رابطه ارائه نمود.

در رابطه با سلسله قاجاریه نیز پژوهش‌های متعددی انجام شده و هر کدام از منظری به این موضوع پرداخته‌اند. دهقان‌نژاد در پژوهش خود در سال ۱۳۸۲ از نظریه انحطاط دولت ابن‌خلدون در تحلیل سقوط قاجاریه استفاده نموده و در تحلیل خود به سه عامل هوای نفس مستبد، تجمل‌خواهی حاکم و از دست دادن خوی خشونت پرداخته است؛ ولی به موضوعات مهمی همچون عصبیت، ستمگری و فساد، توجه کمی نموده و نیز به تاثیر دخالت خارجی و فناوری‌های نوین در سقوط حکومت‌های معاصر از جمله قاجاریه نپرداخته است. واعظ در مقاله خود در سال ۱۳۸۳ به عوامل خارجی و داخلی سقوط قاجاریه و نیز عوامل داخلی و خارجی مساعد در ظهور قدرت پهلوی اول توجه نموده ولی به موضوعات مهمی همچون عصبیت، فساد، خودکامگی، اشرافی‌گری و ستمگری توجه مختصر و پراکنده‌ای نموده است. ضمن آنکه مقاله فاقد چهارچوب نظری مشخص و واحدی بوده و فقط در بحث عوامل داخلی سقوط قاجاریه از نظریه بریتون در باب انقلاب بهره جسته است. خلیلی و زرگر در پژوهش خود در سال ۱۳۹۷ تلاش نموده‌اند با استفاده از رهیافت ابن‌خلدون به این پرسش که «قدرت چگونه از دست می‌رود؟» پاسخ داده و با مبنا قرار دادن سیاحت‌نامه مراغه‌ای، زوال قاجاریه را معلول ۷ عامل ذکر نموده‌اند. در انتهای مقاله نیز با شمارش شاخص‌های زوال، نتیجه

گرفته شده، ظلم و جهل و نه استبداد، عامل اصلی برافتادن نظام سیاسی از جمله قاجاریه هستند. نهایتاً اینکه رویکرد اصلی در پژوهش‌های انجام شده، سقوط قاجاریه بوده و به موضوع ظهور و استمرار این سلسله آنهم براساس نظریه ابن خلدون، پرداخته نشده یا توجه مختصری شده است.

لذا مقاله حاضر در نظر دارد با مطالعه تاریخی و استفاده از روش توصیفی - تحلیلی، ابتدا به این پرسش پاسخ دهد که آیا با نظریه ابن خلدون می‌توان علل ظهور، استمرار و سقوط سلسله قاجاریه را تحلیل نمود یا لازم است این نظریه براساس شرایط دوران معاصر بازنگری شود؟ و سپس مشخص نماید براساس نظریه ابن خلدون یا نظریه بازنگری شده آن با عنوان نظریه نوخلدونی، ظهور، استمرار و سقوط قاجاریه بر اثر چه عواملی صورت گرفته است؟

از جمله نوآوری‌های پژوهش حاضر، علاوه بر موارد فوق، ساختاربندی پژوهش براساس مراحل پنج‌گانه حکومت از دیدگاه ابن خلدون و تحلیل حکومت قاجاریه، منطبق بر این ساختار و نیز بیان نشانه‌های سقوط حکومت قاجار براساس نظریه ابن خلدون است.

## الف - مبانی نظری

در پژوهش حاضر نظریه ابن خلدون به عنوان چهارچوب نظری انتخاب شده است؛ با ذکر این نکته که در تبیین ظهور و سقوط حکومت‌های معاصر از جمله قاجاریه لازم است این نظریه بازنگری شده و عوامل جدید نیز در این خصوص مدنظر قرار گیرند.

### ۱- تبیین مختصر نظریه ابن خلدون

حکومت‌های دوران ابن خلدون و قبل و بعد از وی عمدتاً پادشاهی بودند و با پشتوانه قومی تشکیل می‌شدند که این موضوع حتی در اسامی این حکومت‌ها نیز نمود یافته است. صفاریان، طاهریان، سلجوقیان و صفویان در ایران، بنی‌مرین در مراکش، بنی‌حفص در تونس، فاطمیان در مصر و بنو‌الاحمر و بنونصر در اندلس مسلمان نمونه‌هایی از حکومت‌های آن دوران هستند که براساس روابط خویشاوندی و حمایت قومی تشکیل شده و تمامی پادشاهان و کارگزاران اصلی هر حکومت نیز از آن قوم و طایفه بودند. مطالعات ابن خلدون هم در این راستا صورت گرفته و در ارائه نظریه خود، به مقتضای موضوع مورد مطالعه‌اش، از روش‌های پذیرفته شده در علم سیاست یعنی تجربی،

مقایسه‌ای و تاریخی (عالم، ۱۳۸۹: ص ۴۳) در چهارچوب روش برهانی بهره گرفته است. (آزادارمکی، ۱۳۷۶: ص ۴۴) وی نظریه خود را در باب چگونگی ظهور و سقوط حکومت‌ها تحت عنوان بدیع «علم عمران» ارائه نموده است. مهمترین شاخص‌های و موضوعات این علم از نظر نگارندگان که از متن کتاب العبر استخراج شده، عبارتند از: عصیبت، موالی، خصال‌نیکو، اشرافی‌گری، خودکامگی، ستمگری، فساد، حسب‌های چهارگانه، نسل‌های سه‌گانه، مراحل پنج‌گانه حکومت، انواع سیاست، حیات اقتصادی و مرگ و میر بسیار بر اثر عوامل گوناگون. نکته قابل توجه آنکه ابن‌خلدون در طرح نظریه خود، نگاه ویژه‌ای به بحث عصیبت داشته و به اندازه‌ای روی عصیبت تکیه کرده که می‌توان آن را موضوع اصلی علم عمران دانست. (مهدی، ۱۳۹۰: ص ۳۳۸)

## ۲- بازنگری نظریه ابن‌خلدون (نظریه نوخلدونی)

برای اینکه امکان تبیین دقیق‌تر و واقعی‌تر ظهور و سقوط حکومت‌های معاصر از جمله قاجاریه براساس نظریه ابن‌خلدون فراهم شود، لازم است علاوه بر ارزیابی و بروز نمودن شاخص‌های نظریه ابن‌خلدون از قبیل عصیبت، موالی و انواع فساد، عوامل جدیدی که در دنیای معاصر در تغییر یا پایداری حکومت‌ها مؤثر هستند، در بازخوانی این نظریه مورد توجه قرار گیرند که در نتیجه «نظریه نوخلدونی» با این رویکرد ارائه شده است.

### ۲-۱- عصیبت و موالی نوین

در دوران معاصر، عصیبت مبتنی بر خویشاوندی، در میان اقوام و قبایل مختلف وجود دارد و در سطوح خرد همچنان در کار ایجاد همبستگی مؤثر است (مهربان و میراحمدی، ۱۳۹۷: ص ۱۵۱)؛ ولی عصیبت قومی مانند حکومت‌های دوران ابن‌خلدون که بتواند کسب قدرت نموده و حکومت تشکیل دهد، کم اثر شده و در سطح کلان، عملکردی نمادین دارد (مهربان و میراحمدی، ۱۳۹۷، ص ۱۶۸) ولی ظهور و بروز عصیبت مبتنی بر هم‌پیمانی، بویژه در عرصه سیاسی - اجتماعی، آشکارتر است، که می‌توان از آن به عصیبت نوین تعبیر نمود. (قاضی‌مرادی، ۱۳۹۰: ص ۳۳۹) عصیبت صنفی یا گروهی مانند همبستگی نیروهای نظامی، عصیبت سیاسی که نمونه بارز آن احزاب هستند، عصیبت عقیدتی که از دین و مذهب و نیز ایدئولوژی منبعث شده و عصیبت مردمی یا توده‌ای از انواع عصیبت‌های نوین و امروزی هستند. عصیبت را می‌توان از لحاظ کارکردی هم دسته‌بندی کرد. عصیبت خلدونی که

هدف اصلی آن کسب قدرت است (ابن خلدون، ۱۳۳۵، ج ۱: ص ۲۶۹) و عصبیت و اکنشی یا اصلاحی. این نوع عصبیت که بیشتر در دنیای معاصر مشاهده می‌شود، در واکنش به گسترش فساد حکومتی و رفتار ستمگرانه آن شکل می‌گیرد و هدف ابتدایی آن، اصلاح وضع موجود است؛ ولی در صورتی که حکومت رفتار خود را اصلاح نکند، اهداف عصبیت و اکنشی (اصلاحی) به سمت سرنگونی حکومت مستقر و کسب قدرت تغییر می‌کند. این نوع عصبیت معمولاً در قالب یکی از عصبیت‌های ذکر شده، بروز می‌کند.

در خصوص موالی نیز می‌توان گفت موالی در گذشته از مردمان بیگانه انتخاب می‌شدند و در خدمت منافع حاکم قرار می‌گرفتند. آن‌ها پرورش یافتگان خانه‌زادی بودند که رئیس دولت (سلطان) به آن‌ها پشت گرم بوده و به آن‌ها اتکا می‌نمود. (ابن خلدون، ۱۳۳۵، ج ۱: ص ۲۹۳) این نیروها صرفاً با تبعیت برده‌وار و در جهت منافع مادی شخصی خود و سرورشان، دست به عمل می‌زدند؛ اما در دوران معاصر تربیت نیروهای بومی وفادار یا استفاده از مستشاران خارجی یا ترکیبی از هر دو در دستور کار حاکمان قرار دارد. (قاضی مرادی، ۱۳۹۰: ص: ۱۶۱-۱۸۶).

## ۲-۲- مصادیق و دسته‌بندی‌های جدید فساد

با توجه به تغییرات روابط بین افراد و دولت‌ها و تحول رابطه میان حاکم و مردم (کی‌جین، ۱۳۸۶: ص ۱۹) و تعاریف متفاوت فساد که به ما امکان می‌دهد اشکال مختلف فساد را بشناسیم (جانستون، ۱۳۸۶: ص ۳۹)، لازم است امروزه در پژوهش‌ها، شاخص‌ها و دسته‌بندی‌های مشخص تری برای فساد ذکر شود تا نتایج ملموس‌تری حاصل شود. در واقع می‌توان گفت شاخص‌های فساد همانند گره، به هم پیوند خورده، آن را گسترده نموده و «تور/ شبکه فساد» را تشکیل می‌دهند. این امر موجب نارضایتی و بی‌اعتمادی مردم به حکومت گردیده و در نتیجه پشتوانه مردمی حکومت متزلزل شده یا از دست می‌رود و زمینه فروپاشی آن فراهم می‌گردد. به عبارتی دیگر هر فسادی همانند سلول سرطانی عمل کرده و با گسترش هر سلول سرطانی فساد، توده سرطانی فساد تشکیل می‌شود که تمام کشور را درگیر می‌نماید و زمینه سقوط حکومت غرق شده در انواع فساد را فراهم می‌سازد.

## ۲-۳- دخالت خارجی

در دهه‌های اخیر هم که استعمار به سبک قدیمی، منسوخ شده است؛ کشورهای قدرتمند و البته زورگو، با حمایت از عناصر داخلی خود، از طریق کودتای نظامی یا انقلاب مخملی، حکومت نامطلوب از نظر خودشان را سرنگون نموده و عناصر وابسته به خودشان را سرکار آورده‌اند تا منافع آن‌ها را تأمین نماید. از طرف دیگر در دوران معاصر و عمدتاً بعد از جنگ جهانی دوم، سازمان‌های بین‌المللی با اهدافی همچون تأمین صلح جهانی، تشکیل شده‌اند. سازمان ملل متحد و شورای امنیت آن، از مهمترین این سازمان‌ها هستند؛ اما برخلاف اهداف اساسنامه این سازمانها، تجارب متقن و مستند تاریخی نشان می‌دهد این سازمان‌ها در بیشتر مواقع تحت سیطره قدرت‌های بزرگ و مستکبر قرار داشته و در امور داخلی کشورها دخالت کرده یا آن‌ها را تحت فشار قرار داده و حتی در برخی موارد، با راه‌انداختن جنگ، حکومت مستقر را سرنگون نموده‌اند. حمله به افغانستان در سال ۲۰۰۱، حمله به عراق در سال ۲۰۰۳ و حمله به لیبی در سال ۲۰۱۱ میلادی نمونه‌هایی از این دخالت‌های قدرت‌های بزرگ و سازمان‌های بین‌المللی در امور سایر کشورها است.

## ۲-۴- فناوری‌های نوین

در دنیای معاصر، از طریق ابزارهای نوین و رسانه‌های ارتباط جمعی نفوذ خیلی زیادی بر مردم گذاشته می‌شود. از طرف دیگر تحول در دنیای ارتباطات، نحوه حکمرانی دولت‌ها و روابط بین کشورها را نیز تحت تأثیر قرار داده است. این ابزارها، ارتباط بین گروه‌های مختلف مردم از جمله گروه‌های سیاسی - اجتماعی را تسهیل نموده است. البته قدرت‌های بزرگ در جهت تأمین منافع خود، از این امکانات پیشرفته که به قدرت نرم معروف شده‌اند، بیشترین بهره را می‌برند. بطوریکه با این ابزار، علیه حکومت‌های که منافع آن‌ها را تهدید می‌نمایند، عملیات روانی سازماندهی نموده و افکار عمومی مردم را علیه آن حکومت‌ها تهییج می‌کنند. انقلاب‌های مخملی یا رنگی نمونه‌هایی از مداخله نیروهای خارجی در جهت پشتیبانی از مخالفان و قدرت رسانه‌های نوین در تهییج افکار عمومی علیه دولت مستقر است.

## ۲-۵- مسائل مهم در بررسی و تبیین ظهور و سقوط حکومت‌های معاصر

چند نکته در خصوص بررسی و تبیین ظهور و سقوط حکومت‌های معاصر براساس نظریه بازبینی

شده ابن خلدون (نظریه نوخلدونی) قابل ذکر است: اول اینکه، نقش هر کدام از موضوعات بیان شده و میزان تأثیر آن‌ها در ظهور و سقوط حکومت‌ها، متفاوت و متغیر است به نحوی که ممکن است یک موضوع اصلاً تأثیری در این خصوص نداشته باشد؛ دوم، این موضوعات و شاخص‌ها و متغیرهای مربوط به هر موضوع به تنهایی باعث سقوط یک حکومت نمی‌شوند؛ بلکه وقوع همزمان تعداد زیادی از این عوامل و فراگیری آن‌ها، زمینه فروپاشی یک حکومت و پیدایش حکومت جدید را فراهم می‌سازد و سوم اینکه، اگر حکومتی دچار بحران و فساد فراگیر شده باشد و در سراسیمگی سقوط و در معرض نابودی قرار گیرد، وجود مدعی و عصیبت رقیب قدرتمند جهت جایگزینی حکومت مذکور، شرط اصلی تشکیل یک حکومت جدید است؛ وگرنه حکومت موجود، کج‌دار و مریض به حیات خود ادامه می‌دهد یا آن کشور دچار هرج و مرج شده و زمینه تشکیل حکومت‌های ناپایدار یا چند حکومت در یک سرزمین فراهم می‌شود. در این مورد و در دوران معاصر، قدرت‌های جهانی و منطقه‌ای نقش مهمی در استمرار یا نابودی این‌گونه حکومت‌ها ایفا می‌کنند.

## ب- ساختار پژوهش

بررسی یک حکومت براساس نظریه ابن خلدون یا نظریه نوخلدونی، در سه مرحله انجام می‌شود: پیدایش حکومت (مرحله اول، دوران پیروزی)، استمرار و استحکام حکومت (مراحل دوم و سوم، دوران خودکامگی و آسودگی)، زوال و سقوط حکومت (مراحل چهارم و پنجم، دوران مسالمت‌جویی و اسراف و تبذیر). لذا در ادامه، حکومت قاجار بویژه زوال و سقوط آن براساس ساختار تعریف شده، بررسی و تبیین می‌گردد.

### ۱- پیدایش حکومت قاجار

مرحله اول هر حکومت، دوران پیروزی و غلبه حکومت جدید بر حکومت مستقر است. این غلبه با نیروی عصیبت امکان‌پذیر است. (ابن خلدون، ۱۳۳۵، ج ۱: ص ۲۹۲) البته عصیبتی که مبتنی بر خویشاوندی و پیوندهای نسبی باشد. (ابن خلدون، ۱۳۳۵، ج ۱: ص ۲۷۵) آقامحمدخان (آغامحمدخان)، مؤسس سلسله قاجاریه در نوروز سال ۱۲۰۰ ه.ق در تهران تاجگذاری نموده و حکومت ولایات مطیع خود را بین رؤسا و بزرگان قاجار تقسیم کرد. (پیرنیاواقبال، ۱۳۸۷: ص ۸۷۰)



سپس با کمک ایل قاجار، که عصبیتی برتر و نیرومند بود، با دولت زندیه نبرد کرد و با غلبه کامل بر آن، بر کشور استیلا یافته، مردم را تسلیم خود نمود و حکومت قاجار را در سال ۱۲۰۹ ه.ق (۱۱۶۹ ه.ش/۱۷۹۰ م)، رسماً تأسیس کرد. (پیرنیا و اقبال، ۱۳۸۷: ص ۸۷۲) و توانست هدف اصلی عصبیت را که همانا کسب قدرت، بدست آوردن فرمانروایی و تشکیل دولت بود، محقق سازد. آقامحمدخان سه سال پادشاهی کرد و پس از مرگ وی، برادرزاده‌اش باباخان با نام فتحعلی‌شاه تاجگذاری نمود. (پیرنیا و اقبال، ۱۳۸۷: ص ۸۷۴) با توجه به ویژگی‌های ذکر شده توسط ابن‌خلدون، می‌توان سال‌های اولیه حکومت فتحعلی‌شاه را بخشی از مرحله اول لحاظ نمود. در این دوران، عصبیتی که بوسیله آن پیروزی و غلبه روی داد، در میان قاجاریه پایدار و مستقر بود.

## ۲- استمرار و استحکام حکومت قاجار

از نظر ابن‌خلدون، مراحل دوم و سوم حکومت، مراحل رشد و اوج یک حکومت هستند. در این مراحل، یک حکومت براساس عوامل متعددی استقرار کامل پیدا کرده و استحکام می‌یابد. (ابن‌خلدون، ۱۳۳۵، ج ۱: ص ۳۲۲) می‌توان عمده سال‌های پادشاهی فتحعلی‌شاه و کل حکومت محمدشاه را مرحله دوم و حکومت طولانی ناصرالدین‌شاه را مرحله سوم در نظر گرفت. در این دوران عصبیت قاجاری کمتر از قبل ولی تا حد قابل قبولی نیرومند باقی ماند و نقش مهمی در استقرار کامل و استحکام قاجاریه داشت؛ هرچند با گذر زمان رو به ضعف نهاد و به تدریج جای آن را موالیان قاجار گرفتند. در دوره قاجار موالی را می‌توان به دو گروه اصلی تقسیم نمود. اول، نیروی فزاق که در عهد ناصرالدین‌شاه و توسط روسیه جهت تجدید سازمان قشون ایران بوجود آمده و آموزش دیده بودند (آوری، ۱۳۷۴: ص ۱۸۶) و دیگری، عشایر مسلح. این گروه‌ها نقش مهمی در تداوم و استمرار حکومت قاجاریه داشته و نقطه اتکا برخی شاهان مستبد قاجار بودند و در وقایع مهمی از جمله به توپ بستن مجلس ملی اول به دستور محمدعلی‌شاه و کشتن و زندانی و تبعید نمودن مشروطه‌خواهان، نقش اصلی ایفا نمودند.

توجه شاهان قاجار به دین اسلام و مذهب شیعه و تعظیم نسبی شریعت را می‌توان یکی از دلایل استحکام و عمر نسبتاً دراز این سلسله دانست. رابطه خوب بیشتر شاهان قاجار با علما، مبارزه با مذهب ساختگی بابیت و توجه به احکام اسلامی و تعظیم شعائر شیعه مانند روضه‌خوانی در ایام محرم یا زیارت عتبات عالیات و بارگاه امامزادگان از جمله موضوعاتی بود که باعث شد اکثریت

روحانیت شیعه به جز در مواقع خاص مانند نهضت تنباکو و مشروطیت، مخالفت آشکاری با آنها نداشته باشند. در واقع با نگاه ابن خلدون می‌توان گفت نیروی دینی، عصبیت قاجار و قدرت سیاسی ناشی از آن را به‌ویژه تا پایان مرحله سوم، استحکام بیشتری بخشید.

### ۳- زوال و سقوط حکومت قاجار

از نظر ابن خلدون زوال و افول یک حکومت بر اثر عوامل متعدد از مرحله چهارم آغاز شده و نهایتاً در پایان مرحله پنجم در صورت وجود عصبیت رقیب قدرتمند، سقوط می‌کند. مرحله چهارم نظریه ابن خلدون با حکومت مظفرالدین شاه تطبیق دارد. وی عمدتاً بدلیل سن بالا و بیماری، ضعیف‌النفس و اهل مسالمت‌جویی و مماشات بود و به آنچه اجدادش بویژه پدرش، ناصرالدین‌شاه، پایه‌گذاری کرده بودند، بسنده کرد. با قیام مردم ایران به رهبری مشروطه‌خواهان و تشکیل عصبیت مردمی، که از نظر کارکرد می‌توان آن را عصبیت واکنشی (اصلاحی) دانست، مظفرالدین‌شاه در آخرین روزهای عمرش مجبور به امضاء فرمان مشروطیت در مرداد ۱۲۸۵ ش شد. (مستوفی، بی‌تا: ص ۶۴) متعاقب این فرمان، مجلس مؤسسان و سپس مجلس ملی برای اولین بار در تاریخ ایران تشکیل و قانون اساسی تدوین شد و شاه آن را امضاء کرد و ۵ روز پس از آن فوت کرد (پیرنیاواقبال، ۱۳۸۷: ص ۹۲۸) حکومت محمدعلی‌شاه و احمدشاه مرحله پنجم سلسله قاجاریه را تشکیل می‌دهند. هر چند محمدعلی‌شاه با استبدادی کم‌نظیر، سعی در بازتولید مرحله دوم و سوم نظریه ابن‌خلدون و حکومت ناصرالدین‌شاهی داشت و تصمیم گرفت چون پدربزرگش ناصرالدین شاه حکومت کند (آبراهامیان، ۱۳۹۲: ص ۸۱)؛ ولی مغلوب قیام مردم ایران و مشروطه‌خواهان شده و در سال ۱۲۸۸ خلع و به روسیه تبعید گردید. بعد از وی فرزند نوجوانش، احمدشاه، به حکومت رسید.

### ۳-۱- عوامل اصلی زوال و سقوط حکومت

ابن خلدون در نظریه خود تأکید بیشتری بر دلایل و عوامل زوال و سقوط حکومت‌ها دارد؛ لذا در پژوهش حاضر هم بحث بیشتری پیرامون عوامل زوال و سقوط سلسله قاجاریه که منتج به تشکیل حکومت پهلوی شد، انجام شده است. از نظر ابن‌خلدون زوال عصبیت موجود و همزمان وجود عصبیت رقیب قدرتمند، رواج اشرافی‌گری، خودکامگی و ستمگری حاکم و کارگزارانش و گسترش فساد از عوامل اصلی زوال و سقوط یک حکومت هستند. در دوران معاصر، دخالت خارجی و

فناوری‌های جدید هم می‌تواند از عوامل سقوط یک حکومت باشد.

### ۳-۱-۱- زوال عصیت

یکی از عوامل اصلی و مهم زوال یک حکومت از نظر ابن‌خلدون، زوال عصیت است (ابن‌خلدون، ۱۳۳۵، ج ۱: ص ۲۷۱) عصیت قاجاری که هیچ‌گاه متکی بر مردم و رفتار عادلانه با آنها نبود (نجفی و فقیه‌حقانی، ۱۳۹۶: ص ۱۰۶)، با قدرت گرفتن تدریجی موالی شامل نیروی قزاق و عشایر مسلح، رو به ضعف نهاد و با پیروزی نهضت مشروطیت مردم ایران (عصیت مردمی) دچار ضعف بیشتری شد و در واقع «انقلاب مشروطه پایه‌های اقتصادی و سیاسی عصیت و اقتدار ایلی [قاجار] را لرزاند» (قاضی‌مرادی، ۱۳۹۰، ص ۳۵۱) و ضربتی به قاجاریه زد که از آن قدر راست نکرد. (احمدپناهی، ۱۳۷۶: ص ۴۸) تشکیل حکومت سلطنتی مشروطه برای اولین بار در تاریخ ایران و واگذاری بخشی از اختیارات پادشاه به مجلس ملی، چالش جدیدی بود که سیاستمداران و حاکمان ایرانی با آن روبرو می‌شدند و می‌توان گفت این شرایط خاص، اداره مملکت را با نوعی بلا تکلیفی سیاسی مواجه ساخت. عملکرد مستبدانه محمدعلی‌شاه در مواجهه با مجلس و به توپ بستن مجلس توسط وی و شروع دوران استبداد صغیر نیز به دلیل شکست مفتضحانه وی در مقابل مشروطه‌خواهان و به پادشاهی رسیدن احمدشاه کم سن و سال و بی‌تجربه، وضعیت را پیچیده‌تر نمود و با تشکیل مجالس دوم تا پنجم در زمان وی، عملاً عصیت قاجاری و انسجام قومی آن‌ها بویژه بعد از کودتای سال ۱۲۹۹ رضاخان، رو به زوال و افول بیشتری گذاشت. تجلی این وضعیت ناپایدار را می‌توان در عمر کوتاه دولت‌های سال‌های آخر قاجاریه مشاهده نمود که در طی بیش از ۱۶ سال حکومت احمدشاه، ۲۶ دولت به قدرت رسیدند. ضمن آنکه رضاخان، محمدحسن میرزای ولیعهد را فریب داد که بعد از خلع احمدشاه وی پادشاه خواهد شد و در نتیجه، ولیعهد هم خیلی نسبت به رضاخان اظهار نزدیکی می‌نمود که این رفتار ولیعهد در تضعیف احمدشاه و تقویت رضاخان مؤثر بود (مکی، ۱۳۶۲، ج ۳: ص ۳۴۴) و نیز برخی رجال قاجار از جمله ژنرال محمدحسین میرزا رئیس ستاد لشکر جنوب فرزند شاهزاده فرمانفرما [شاهزاده قاجاری] کاملاً به سردار سپه وفادار بودند (مجد، ۱۳۸۹: ص ۱۹۳) و در گفتار و عمل با پهلوی همراهی می‌نمودند و برخی دیگر بویژه روشنفکران قاجاری نیز نه تنها از حکومت قاجاری دفاع نمی‌کردند بلکه هم در مجلس پنجم و هم در مجلس مؤسسان به انقضای

قاجاریه و تأسیس پهلوی رأی دادند<sup>۱</sup>، که در نتیجه، این امر باعث کاهش پیوند خانوادگی، غرور قومی و انسجام گروهی قاجاریه گردید. تن‌پروری، پول‌پرستی و زندگی اشرافی شاهان قاجار از جمله احمدشاه و فساد ناشی از آن نیز زوال عصیبت و کاهش شدت آن را دوچندان نمود.

از طرف دیگر و همزمان با زوال عصیبت قاجاری، عصیبت رقیب قدرتمندی عرض اندام نمود. قزاق‌ها که یکی از دو موالی مهم حکومت قاجار به‌شمار می‌آمدند، عصیبت صنفی‌ای (گروهی) را بعد از کودتای انگلیسی رضاخان به سرکردگی وی تشکیل دادند که هدف اصلی آن، کسب قدرت و تشکیل دولت جدید بود. قزاق‌ها که از همبستگی نظامی بالایی برخوردار بودند (قاضی‌مرادی، ۱۳۹۰: ص ۳۵۲)، برای رسیدن به هدف خود، با دو کارکرد مؤثر، نقش مهمی در سقوط قاجاریه و تشکیل پهلوی داشتند: اول، با سرکوب یا خلع سلاح برخی طوایف و عشایر طرفدار قاجاریه، یکی از حامیان و موالیان مهم قاجاریه را سرکوب یا تضعیف نمودند؛ از جمله ایل شادلو و ایل زعفرانلو، از ایل‌های بزرگ کرد در شمال خراسان را سرکوب (فراهانی، ۱۳۹۰: ص ۱۶۵) یا ایل سنجابی را خلع سلاح نمودند. (فراهانی، ۱۳۹۰: ص ۵۱۶)؛ دوم، در انتخابات فرمایشی مجلس ملی پنجم و بعد از آن در انتخاب نمایندگان مجلس مؤسسان، مستقیم و آشکارا دخالت نمودند.<sup>۲</sup> قزاق‌ها با تهدید یا تطمیع افراد، همان اشخاصی را که می‌خواستند از صندوق‌ها بیرون آورند (مکی، ۱۳۶۲، ج ۳: ص ۴۸۷) و مجالسی شکل گرفت که اکثریت اعضای آن مخالف قاجاریه و طرفدار و مطیع رضاخان بودند.

### ۳-۱-۲- گرفتاری در تجملات

از نظر ابن خلدون، عامل دیگر زوال و افول یک حکومت، گرفتار شدن در تجملات است که

.....  
۱. شاهزاده سلیمان میرزا، از نوادگان عباس میرزا و نماینده مجلس پنجم، در آبان ۱۳۰۴ با انقراض قاجاریه موافقت نمود. (مکی، ۱۳۶۲، ج ۳، ص ۴۷۹) یا بسیاری از بزرگان خاندان قاجار مثل عبدالحسین فرمانفرما خواستار رژیم جمهوری بودند. (افخمی، بی‌تا، ص ۳۷)

۲. نمونه دخالت رضاخان در انتخابات مجلس پنجم: امیراکرم حاکم مازندران در تاریخ ۹ فروردین ۱۳۰۲ش، به رضاخان وزیر جنگ نوشت که نام کسانی را که باید از مازندران به نمایندگی مجلس شورای ملی انتخاب شوند، ابلاغ کنید تا انتخاباتشان کنم. «چاکر افتخار می‌نماید که نمایندگان دوره پنجم به تصویب بندگان حضرت اشرف انتخاب می‌شوند.» (فراهانی، ۱۳۸۹: ص ۱۵) یا در تاریخ ۲۷ فروردین ۱۳۰۲ش، رضاخان اسامی نامزدهای مورد توجه خود را برای ورود به مجلس به اطلاع امرای لشکر غرب و شرق رساند. وی به رئیس گردان کاشان دستور داد سیدعبدالرحیم و میرزااحمدخان از کاشان باید به مجلس راه یابند. (فراهانی، ۱۳۸۹: ص ۴۸)

باعث فرسایش و فرسودگی دولت شده و آن را به سرایشی پیری نزدیک ساخته تا سرانجام واژگون شده و از میان برود. (ابن‌خلدون، ۱۳۳۵، ج ۱: ص ۳۱۳-۲۸۱) این موضوع در میان شاهان و حاکمان قاجار شیوع زیادی داشت. ساخت و زندگی در کاخ‌های اشرافی و قصرهای قاجاری در حالی‌که عموم مردم از سطح درآمد و رفاه پایینی برخوردار بودند، باعث فشار بیشتر بر مردم می‌گردید. شاهان قاجار و کارگزاران آن‌ها در تفرجگاه‌ها و کاخ‌های خود با پول و ثروت حاصل از تمام ولایات ایران (سیاح، ۱۳۵۶: ص ۲۸۳) از جمله خراج (مالیات) که تماماً از خون‌جگر ضعفا و فقرا و با ظلم به‌دست آمده بود (مراغه‌ای، ۱۳۸۴: ص ۳۵۸)، به تفریح، عیاشی و ریخت و پاش می‌پرداختند و هم‌زمان اکثر مردم در پایین‌ترین وضعیت اقتصادی با فقر و بیماری دست و پنجه نرم می‌کردند. هرگاه درآمدهای عمومی هم کفایت مخارج حکومت و اشرافی‌گری آن‌ها را نمی‌داد، از راه واگذاری امتیازات گوناگون به بیگانگان و نیز رشوه‌خواری، جبران مافات می‌کردند و مشکلی بر مشکلات مملکت اضافه می‌کردند.

### ۳-۱-۳- خودکامگی

خودکامگی حاکمی که بر اساس حق عمل نکرده، عامل دیگر زوال حکومت است (ابن‌خلدون، ۱۳۳۵، ج ۱: ص ۳۱۲-۳۰۹) استبداد شاهان قاجار و حاکمان ولایات که عمدتاً مبتنی بر اغراض شخصی بود، یکی از مشخصات آشکار این حکومت است. رابطه قاجاریه با مردم مبتنی بر زور و تغلب بود (نجفی و فقیه حقانی، ۱۳۹۶: ص ۹۵) شاهان قاجار ارزشی برای مردم در امر حکومت‌داری قائل نبودند و این حق را برای خود قائل بودند که بر اساس تشخیص خویش عمل نمایند و رعیت هم باید اطاعت نماید؛ حتی از رفتن به خارجه به خصوص برای تحصیل سخت‌جولوگیری می‌شد و محتاج به اجازه مخصوص بود (سیاح، ۱۳۵۶: ص ۲۸۴) آن‌ها خود را سرور مطلق مردم می‌دانستند و دخالت مردم در امور حکومتی را بر نمی‌تابیدند حتی اگر آن دخالت در جهت تأیید عملکرد شاه قاجار باشد. درباره ناصرالدین‌شاه در تاریخ آمده که «اصناف کاشان نوشتند که از دست حاکم، مهارالسلطنه، چه‌ها که نکشیدیم. حالا که «از قرار مذکور ... خیال تغییر حکومت در خاطر امنای دولت راه یافته، موجب شکرگزاری است»؛ شاه خودکامه قاجار فرمان داد: «جواب بنویسید، فضولی موقوف کنند، تعیین حکومت به میل رعیت نیست»؛ (سیف، ۱۳۸۷: ص ۲۶) اگر هم شاه امتیازی به مردم می‌داد، نوعی بخشش ملوکانه بود نه احقاق حق مردم. مظفرالدین‌شاه، اعطای مشروطیت را بر اساس رأی و

اراده همایون ملوکانه و عنایتی از سوی خود می دانست (ناظم‌السلام کرمانی، ۱۳۹۱: ص ۵۵۰).

### ۳-۱-۴- ستمگری و خشونت حاکمان

عامل دیگر تباہی و نابودی یک حکومت از نظر ابن خلدون، ستمگری و خشونت حاکمان بوده و تجاوز به مال و نوامیس و جان مردم از مصادیق آن است. (ابن خلدون، ۱۳۳۵، ج ۱: ص ۴۸۴) حاکمان با ستمگری و خشونت، حمایت و فرمان‌بری مردم را به‌ویژه در نبردگاه‌ها و زمان‌هایی که مورد حمله قرار می‌گیرند، از دست می‌دهند که این امر نهایتاً به سرنگون شدن دولت منتهی می‌گردد. این دو موضوع نیز در زمان قاجار به وفور دیده می‌شود. آقامحمدخان بزرگان زندیه و تعداد زیادی از مردم کرمان را، که لطفعلی خان زند را پناه داده بودند، کور کرد (پیرنیا و اقبال، ۱۳۸۷: ص ۸۷۲ - ۸۷۱) و برادر خود جعفرقلی خان را که در تمام مراحل دشوار مبارزات قدرت در کمال صداقت با او همراه بود، ناجوانمردانه از ترس اینکه مبدا مدعی سلطنت شود، کشت. (احمد پناهی، ۱۳۷۷: ص ۱۸) قائم‌مقام ثانی مدبر امور و بانی سلطنت محمدشاه با توطئه مخالفانش، به دستور محمدشاه در سال ۱۲۵۱ ق و میرزا تقی خان امیرکبیر، علیرغم خدمات چشمگیر و ماندگار، در سال ۱۲۶۸ ق به دستور ناصرالدین‌شاه به قتل رسیدند (پیرنیا و اقبال، ۱۳۸۷: ص ۹۱۳-۹۰۲) محمدعلی شاه که قساوت قلب و بی‌رحمی را به متتها درجه رسانیده بود، در سال ۱۳۲۶ ق/۱۲۸۶ ش مجلس را به توپ بست و بعضی وکلا و آزادپخواهان را کشت و عده‌ای دیگر را دستگیر، زندانی و تبعید نمود (ناظم‌السلام کرمانی، ۱۳۹۱: ص ۲۸۸)

شاهزادگان قاجار که هر کدام بر شهر و ولایتی حکم می‌راندند، نیز دست‌کمی از خود شاه نداشته و ظلم و ستم آن‌ها بر مردم در تاریخ ثبت شده است. در واقع «حکام ولایات نیز خود خرده مستبدانی بودند که در محدوده حکومت خویش همانند مستبد اعظم عمل می‌کردند» (سیف، ۱۳۸۷: ص ۲۳۲).

### ۳-۱-۵- فساد و گسترش آن

فساد و گسترش آن، عامل مهم دیگری در سقوط حکومت‌ها است. شواهد تاریخی نشان می‌دهد این عامل نیز در ابعاد گوناگون سیاسی و اقتصادی و تا حدودی اجتماعی-فرهنگی در دوران قاجار به میزان زیادی وجود داشته و شاخص‌های فساد همانند گره‌های به هم پیوند خورده، آن را گسترده نموده و «تور/ شبکه فساد» را تشکیل دادند. این شبکه گسترده فساد موجب نارضایتی و ناامیدی مردم، علما و بزرگان و در نتیجه بی‌اعتمادی آن‌ها به قاجاریه شده و زمینه تزلزل این حکومت و نهایتاً

فروپاشی آن فراهم گردید. نمونه‌های زیر گویای وجود انواع شاخص‌های فساد در دوران قاجار است:

### ۳-۱-۵-۱- فساد سیاسی

اختناق سیاسی و نبود آزادی بیان یا محدود نمودن غیرقانونی آن؛ انتقاد از حکومت و کارگزاران آن بشدت مورد تقبیح و موجب خشم شاهان قاجار بود زیرا «خفقان سراسر مملکت را در برگرفته بود و نیروی استبداد اجازه تفکر را به مردم نمی‌داد» (مدنی، ۱۳۶۱، ص ۲۳) و منتقد، با زشت‌ترین القاب، نواخته شده و به گفته یک وقایع‌نویس «عقلا می‌دانند که اگر کسی مخالف نظر شاه نظر دهد، خونش هدر است.» (آبراهامیان، ۱۳۹۲، ص ۴۴ به نقل از تاریخ ایران در عهد سلطنت قاجاریه فسایی ص ۳۹) در تاریخ آمده، ناصرالدین‌شاه درباره انتقاد ملاباقر واعظ از دولت، گفت: به او بگویید «ای مردک خر، تو واعظ هستی، روی منبر روضه بخوان، چه کار داری از تکیه دولت حرف بزنی، یک دفعه دیگر شنیده شود غیر از وعظ و روضه‌خوانی، حرفی در مجلس زده‌ای، پدرت را آتش زده از ایران خارجت خواهند کرد.» (آدمیت، ۱۳۸۷، ص ۲۵) در دوره استبداد قاجاری، مردم از مقدمات کار بی‌خبر بودند و همیشه با کار ختم شده، مواجه می‌شدند. طرز حکومت هم اجازه بیش از این نقادی نمی‌داد. (مستوفی، بی‌تا: ۴۵)

عدم حاکمیت قانون و حاکم بودن رابطه بر ضابطه؛ به‌جز موارد معدودی به‌ویژه بعد از مشروطیت، نظر شاهان قاجار یا حاکمان ولایات در حکم قانون بود و گاهی شرع و احکام شرعی تنها مانع برخی اقدامات آن‌ها بود. به‌عبارتی دیگر شاهان قاجار حرف خود را مادام که علناً با شرع اسلام مغایرتی نداشت، قانون می‌دانستند. (آبراهامیان، ۱۳۹۲، ص ۴۴) در این دوران یا ضابطه وجود نداشت یا رابطه بر ضابطه تقدم داشت. اگر ضابطه‌ای هم بود، از طریق روابط مستبد اعظم (شاه) با دیگران تعیین می‌شد. (سیف، ۱۳۸۷، ص ۲۱) به‌طوری‌که می‌توان گفت قانون مملکت، بی‌قانونی بود. (سیف، ۱۳۸۷: ص ۲۵)

پاسخگو نبودن مسئولین حکومت و صاحبان قدرت: اگرچه شاهان قاجار و کارگزاران آن‌ها در برابر شهروندان برای خویش حق و حقوق نامحدود و اختیارات وسیع و بی‌حد و حصری قائل بودند، ولی در برابر آن‌ها مسئولیتی به‌گرددن نمی‌گرفتند (سیف، ۱۳۸۷: ص ۲۴)

سوءاستفاده از قدرت؛ استفاده نادرست از امکانات عمومی و حیف و میل اموال مردم، نمونه آشکار سوءاستفاده از قدرت است. سفرهای خارجی پرخرج، زمان‌بر و عمدتاً بی‌حاصل برای کشور از

مصادیق سوءاستفاده از قدرت و استفاده نادرست از امکانات عمومی توسط برخی شاهان قاجار (ناصرالدین شاه، مظفرالدین شاه و احمدشاه) بود. نکته حائز اهمیت در خصوص این سفرها این است که عمدتاً خرج این سفرها به قیمت مقروض نمودن مملکت و از طریق وام از بانک‌های خارجی تأمین می‌شد. از دیگر مصادیق سوءاستفاده از قدرت، مصرف غلط مالیات بود؛ به طوری که مالیات‌های اخذ شده صرف پروژه‌های عمومی نمی‌شد، بلکه هزینه خوش گذرانی‌های حکام می‌شد. (سیف، ۱۳۸۷، ص ۳۲۹) در تاریخ آمده است ناصرالدین شاه مروراید درشت به سرپیشخدمت‌ها می‌زد و آن‌ها با شکلک درآوردن، باعث می‌شدند شاه عمل خود را تکرار کند و آن‌ها صاحب پنج شش تا مروراید بارزش می‌شدند! (مستوفی، بی‌تا: ۱۲).

رابطه سالاری و پارتی‌بازی؛ شایسته سالاری در حکومت قاجار چندان جایگاهی نداشته و مناصب حکومتی عمدتاً در اختیار شاهزادگان و منسوبین قاجار یا چاپلوسانی بود که اغلب نیز فاقد صلاحیت لازم بودند. شواهد تاریخی نشان می‌دهد در دوره قاجار برای کار پی آدم نمی‌گشتند؛ بلکه بیشتر فکرشان دنبال پیدا کردن کار برای اشخاص بود. بنابراین کاری به کار کفایت و کاردانی اشخاص و تناسب آن‌ها با وزارتخانه‌ای که به آن‌ها سپرده می‌شد، نداشتند. یکبار به وزارت رسیدن یا رئیس الوزراء شدن شرط کافی برای دوباره وزیر شدن یا دوباره رئیس الوزراء بود (مستوفی، بی‌تا، ص ۳۸۲). وابستگی سیاسی و عدم استقلال در تصمیم‌گیری؛ در دوره قاجار دولت‌های بیگانه به‌ویژه روسیه و انگلیس نفوذ زیادی در دربار ایران داشته و دخالت‌های زیادی در امور داخلی ایران می‌کردند.

وقوع دو جنگ ویرانگر ایران و روس و عهدنامه‌های استعماری ترکمانچای و گلستان، نزدیک به یک قرن سلاطین بی‌لیاقت ایران را تا سطح دست‌نشانندگان روس و انگلیس تنزل داد؛ به طوری که آن‌ها نمی‌توانستند کوچک‌ترین کاری انجام دهند مگر این که پیشاپیش کسب اجازه کرده باشند (سیف، ۱۳۸۷: ص ۷۴) ناصرالدین شاه، شاه مستبد قاجار، که حتی تمجید مردم از کارگزارش را فضولی می‌دانست، اعتراف سخت و عبرت‌آموزی دارد: «می‌خواهم به شمال مملکت بروم سفیر انگلیس اعتراض می‌کند، می‌خواهم به جنوب بروم سفیر روس اعتراض می‌کند، ای مرده‌شور این مملکت را ببرد که شاه حق ندارد به شمال و جنوب مملکتش مسافرت نماید.» (مدنی، ۱۳۶۱: ص ۷۱) در دوره احمدشاه دخالت خارجی به اوج خود رسید. یکی از نقاط تاریک و خسارت‌بار این دوران که از عدم استقلال حاکمان قاجار ناشی می‌شود، وقایع جنگ جهانی اول است. این جنگ درست هشت روز بعد از تاج‌گذاری رسمی احمدشاه در ۳۰ آوریل ۱۹۱۴ م / ۱۳۳۲ ه. ق شروع شد. (آوری، ۱۳۷۴: ص



۳۸۸) باینکه ایران رسماً اعلام بی‌طرفی نمود، ولی نیروهای بیگانه ایران را تصرف کردند (پیرنیا و اقبال، ۱۳۸۷، ص ۹۳۲) وقوع قحطی گسترده و مرگ‌ومیر زیاد ناشی از آن و نیز تعطیلی مجلس ملی سوم، از پیامدهای منفی و ذلت‌بار این تصرف و حضور غیرقانونی و ظالمانه بود.

### ۳-۱-۵-۲- فساد اقتصادی

رشوه (ارتشاء) یکی از مهم‌ترین فسادهای تمام دوره‌ها از جمله دوره قاجاریه است. البته رشوه‌خواری در اواخر سلطنت ناصرالدین‌شاه رو به افزایش گذاشت (پیرنیا و اقبال، ۱۳۸۷، ص ۹۲۴)؛ به‌طوری‌که رشوه گرفتن آشکار رواج پیدا کرد (ناظم‌السلام کرمانی، ۱۳۹۱، ص ۱۳۸).

یکی از مصادیق رشوه‌خواری، گرفتن رشوه توسط شاه و درباریان در ازاء بستن قراردادهای تجاری با بیگانگان بود؛ قراردادهایی که عمدتاً نفعی برای مردم نداشت و نفع آن به شاه و کارگزارانش و نیز طرف خارجی می‌رسید. برای نمونه، انگلستان قبل از انعقاد قرارداد فین‌کن‌اشتاین بین ایران و فرانسه، شش نماینده به ریاست جان‌ملکم به ایران فرستاد. وی با سپردن هدایای گران‌بها به فتحعلی‌شاه و دادن رشوه‌های هنگفت به درباریان موفق به بستن معاهده‌های سیاسی - تجاری با ایران شد (پیرنیا و اقبال، ۱۳۸۷، ص ۸۷۹) در نمونه مهم دیگر، دولت و ثوق‌الدوله با دریافت رشوه، قرارداد ننگین ۱۹۱۹ را امضاء کرد. در روزنامه تایمز به تاریخ ۱۳ ژوئیه ۱۹۲۲ م / ۱۹ تیر ۱۳۰۱ ش به نقل از آرتور مور، خبرنگار انگلیسی، مبلغ این رشوه، ۱۳۰ هزار پوند ذکر شده است. (فراهانی، ۱۳۸۸، ص ۲۲۸) این رشوه را گروه سه نفره امضاء کننده قرارداد ۱۹۱۹ شامل و ثوق‌الدوله رئیس‌الوزرا، شاهزاده نصرت‌الدوله فیروز وزیر خارجه و شاهزاده صارم‌الدوله وزیر مالیه، گرفتند. (مجدد، ۱۳۸۹، ص ۱۰۸) البته احمدشاه هم از این قرارداد بی‌نصیب نماند زیرا انگلیسی‌ها با پرداخت ۱۵ هزار تومان مقرری ماهیانه به وی، توافقی را با روی کار آوردن و ثوق‌الدوله و نگاه‌داشتنش در مسند نخست‌وزیری جلب کردند (شیخ‌الاسلامی، ۱۳۶۸، ص ۲۹)

نقش دیگر رشوه، در تقسیم مناصب حکومتی حتی در میان شاهزادگان و منتسبین قاجار قابل مشاهده است. حاج سیاح در این باره می‌نویسد ولایت‌ها در ازای پرداخت مبلغی پول، به فردی از معروفین و درباریان، که از همه بیشتر پرداخت می‌کرد، بدون ملاحظه لیاقت و مناسبت و عقل و علم او، واگذار می‌شد. (سیاح، ۱۳۵۶، ص ۴۸۰) یا از قول مستشارالدوله صادق درباره رشوه گرفتن احمدشاه از حکام و استانداران کشور، داستان‌هایی حیرت‌آور نقل شده است (شیخ‌الاسلامی، ۱۳۶۸،

ص ۴۰) به طور مثال، والی‌ها یا همان استانداران پیش از آنکه فرمان انتصاب خود را از مقام سلطنت بگیرند، پیشکش نقدی قابل ملاحظه‌ای به احمدشاه تقدیم می‌کردند (شیخ‌الاسلامی، ۱۳۶۸: ص ۳۳۸). اخاذی، دزدی و غارت اموال مردم؛ تا دوره قاجار راهزنی و غارت اموال مسافران رایج بود و بخشی از این اموال دزدیده شده به حاکمان ولایات می‌رسید. عمدتاً این غارتگری هم توسط برخی طوایف انجام می‌شد.

نامنی حقوق مالکیت؛ به دلیل اینکه شاهان قاجار و حاکمان منتسب به آن‌ها، مال مردم را متعلق به خودشان می‌دانستند، نامنی حقوق مالکیت در این دوره امری متداول بود. شاهان قاجار به‌عنوان مالک‌الرقاب، سلطه عظیمی بر جان و مال و ناموس مردم داشته و مالکیت اراضی را از آن خود می‌دانستند (آبراهامیان، ۱۳۹۲: ص ۴۴) به عقیده فریزر، جهانگرد انگلیسی در عصر فتحعلی‌شاه، بزرگ‌ترین اشراف ایران هم در معرض خطر همیشگی بوده و جان و مالشان در امان نبود (فریزر، ۱۳۶۴، ص ۲۲۱). مصادره اموال وزرای معزول چنان رایج بود که چون در یک مورد چنین نشد، وقایع‌نویس دربار با شگفتی نوشت: «تاکنون هرگز ندیده و نشنیده‌ام که شاه وزیری را معزول سازد و اموالش را مصادره نکند.» (آبراهامیان، ۱۳۹۲: ص ۴۴) احمد سیف که اثرات اقتصادی حکومت استبدادی قاجاریه را در آثار خود بررسی کرده، در این رابطه می‌نویسد: در این دوران مالکیت خصوصی به معنای حقیقی آن وجود نداشت و به غیر از مستبد اعظم، کسی که کسی باشد، وجود نداشت تا حق و حقوقی داشته باشد (سیف، ۱۳۸۷: ص ۲۱).

قرارداد استعماری با کشورهای خارجی؛ در این بخش می‌توان به قراردادهای خسارت‌باری اشاره نمود که با فرمان شاهان قاجار با بیگانگان بسته شد. این قراردادها را می‌توان عمدتاً در دو عنوان کلی تقسیم‌بندی نمود؛ قراردادهای ناشی از شکست در جنگ و قراردادهای اقتصادی. عهدنامه‌های ننگین گلستان و ترکمنچای بین ایران و روسیه در زمان فتحعلی‌شاه و معاهده پاریس با محتوای به رسمیت شناخت استقلال افغانستان و هرات در زمان ناصرالدین‌شاه (پیرنیا و اقبال، ۱۳۸۷: ص ۹۱۵-۹۱۴). نمونه‌های مهم قراردادهای ناشی از شکست در جنگ با بیگانگان است. قرارداد حیرت‌آور رویتز بین ایران و یک یهودی انگلیسی به نام رویتز و واگذاری تقریباً تمام اختیار امور اقتصادی ایران در مدت ۷۰ سال به یک تن خارجی (پیرنیا و اقبال، ۱۳۸۷: ص ۹۱۸)؛ امتیازنامه رژی یا قرارداد انحصار توتون و تنباکو که از نظر اقتصادی و مالی زیان‌بخش بود و عملاً کشاورزان و تجار ایرانی را به مدت ۵۰ سال عملاً بیگانه قرار می‌داد (کسروی، ۱۳۶۳: ص ۱۵) و قرارداد ۱۹۱۹ م (۱۳۳۷ ق) بین انگلستان و

ایران که اختیار کامل امور مالی، گمرکی و نظامی ایران در اختیار مستشاران انگلیسی قرار می‌گرفت و ایران را عملاً تحت‌الحمایه انگلستان قرار می‌داد (فراهانی، ۱۳۸۵: ص ۳۲۳) و استقلال نیم‌بند نظام سیاسی ایران را به‌طور کلی نابود می‌کرد (شیخ‌الاسلامی، ۱۳۶۸: ص ۴۵). نمونه‌های مهم قراردادهای اقتصادی هستند که با مخالفت شدید مردم و علی‌رغم میل شاهان و کارگزاران قاجار لغو شدند. ورود حاکم به مسائل اقتصادی و رقابت اقتصادی با مردم: ابن‌خلدون معتقد است اگر حاکم و کارگزاران حکومت، فعالیت اقتصادی داشته باشند و با مردم رقابت نمایند؛ به دلیل ثروت بیکران، سبب ضرر و زیان مردم و در نتیجه بدبختی و سیه‌روزی آن‌ها می‌شوند (ابن‌خلدون، ۱۳۳۵: ص ۴۷۵-۴۷۴). که این امر ستم بزرگی به حساب می‌آید. مستندات تاریخی نشان می‌دهد شاهان قاجار و درباریان نیز به این فساد آلوده بوده‌اند و با تنظیم تولید و قیمت در مواقع مختلف و خرید و فروش و انبار کردن ارزاق به‌کرات، در اقتصاد دخالت می‌کردند. (آبراهامیان، ۱۳۹۲: ص ۴۴) نمونه آشکار این موضوع، فعالیت اقتصادی احمدشاه است که غله حاصل از املاک خود را به قیمت گران به اهالی پایتخت می‌فروخت. (شیخ‌الاسلامی، ۱۳۶۸: ص ۴۰) یا برخی حاکمان ولایات تمام محصول ولایت خودشان را با قیمت کم خریده و غله‌فروشی را منحصر به خود می‌نمودند و سپس قیمت محصول را چندین برابر بالا می‌بردند (سیاح، ۱۳۵۶: ص ۴۸۲).

### ۳-۱-۵-۳- فساد فرهنگی - اجتماعی

فساد اخلاقی؛ فساد اخلاقی از منظر اسلامی و نیز به معنای امروزی آن، از جمله رابطه نامشروع در مورد شاهان قاجار و خانواده‌های آن‌ها چندان مصداقی ندارد؛ ولی برخی از آن‌ها به شدت عیاش و شهوت‌ران بودند به‌طوری‌که حرم‌سراهایی داشتند که همسران صیغه‌ای آن‌ها در آنجا زندگی می‌کردند. از جمله فتح‌علی‌شاه ۱۵۶ زن داشت (پیرنیا و اقبال، ۱۳۸۷: ص ۹۰۰). یا در مورد ناصرالدین‌شاه بیان شده زن پرست بود. (سیاح، ۱۳۵۶: ص ۴۸۷) و ۸۰ تا زن و حرم‌خانه داشت (مستوفی، بی‌تا: ص ۹).

دخالت خارجی در دوران معاصر یکی از عوامل سقوط یا استقرار یک حکومت است. قاجاریه نیز از این موضوع صدمه اساسی دید. در واقع عامل اصلی تبدیل رضاخان میرپنج به رضاشاه پهلوی، دخالت خارجی بود. انگلیسی‌ها با طراحی کودتای سوم اسفند ۱۲۹۹ ه.ش نقش مهمی در سقوط احمدشاه و به قدرت رسیدن رضاخان داشتند. آن‌ها دو فرد به نسبت بی‌نام‌ونشان (افخمی، بی‌تا: ص

۲۳) یعنی رضاخان و سیدضیاء را با انجام موفق کودتا وارد عرصه سیاست ایران کرده (مجدد، ۱۳۸۹، ص ۱۶۵) و زمینه سقوط قاجاریه و تشکیل پهلوی را فراهم نمودند. از فناوری‌های جدید نیز در دوران معاصر می‌توان در جهت تضعیف یا تقویت یک حکومت استفاده نمود. از فناوری‌های تأثیرگذار جدید یعنی روزنامه و تلگرام در جهت ایجاد نفرت در خصوص قاجاریه و به‌ویژه احمدشاه و از طرف دیگر حمایت از دولت کودتا، قهرمان‌سازی از رضاخان و زمینه‌سازی برای به قدرت رسیدن وی استفاده شد. روزنامه‌های قلم آزاد و اتحاد که بعد از کودتای سوم اسفند منتشر شدند، طرفدار رضاخان بوده و حتی دیکتاتوری او را تقدیس نموده و به او لقب دیکتاتوری عادل و قانونی دادند (فراهانی، ۱۳۸۹: ص ۳۳۲-۳۲۴) روزنامه ستاره ایران در مهر ۱۳۰۴ ش، صریحاً احمدشاه قاجار را به تن‌پروری، غفلت از امور مملکت و نوکری بیگانگان متهم نمود (فراهانی، ۱۳۹۳: ص ۳۵۲) و با تمجید از رئیس‌الوزرا، رضاخان، احمدشاه را خائن نامید (مجدد، ۱۳۸۹: ص ۳۵۰).

تلگرام وسیله دیگری بود که رضاخان و عمالش از آن در جهت سرنگونی قاجاریه استفاده نمودند. آن‌ها از اول آبان ۱۳۰۴ ه.ش عده‌ای از بدنام‌ترین و فاسدترین آدم‌ها را در تلگراف‌خانه شهرستان‌ها مستقر کرده و به نام مردم تلگرام‌های مختلفی با مضمون بی‌کفایتی سلسله قاجار و مخالفت با آن به تهران ارسال نموده و انقراض قاجاریه را از مجلس پنجم درخواست می‌کردند. (مجدد، ۱۳۸۹: ص ۳۸۵-۳۸۴) در متن کمیسیون درخواست‌کننده تغییر سلطنت (کمیسیون عرایض)، این تلگراف‌ها اصلی‌ترین دلیل تغییر سلطنت اعلام شد. [!] (مکی، ۱۳۶۲، ج ۳: ص ۴۰۰)

### ۳-۱-۶- نشانه‌های سقوط حکومت قاجار

ابن خلدون در نظریه خود مواردی ذکر می‌کند که عموماً در اواخر یک حکومت رخ می‌دهد. به عبارتی دیگر در صورتی که این موارد رخ دهد، می‌تواند نشانه زوال و راه یافتن فرسودگی و پیری به حکومت باشد. اتکا به موالی (ابن خلدون، ۱۳۳۵، ج ۱: ص ۲۹۳)، افزایش مرگ‌ومیر (ابن خلدون، ۱۳۳۵: ج ۱، ص ۵۰۷) و افزایش مالیات (ابن خلدون، ۱۳۳۵، ج ۱: ص ۴۹۷) از جمله مهم‌ترین این موارد است. از میان این سه موضوع، افزایش مرگ‌ومیر مردم بر اثر عوامل گوناگون در دوره قاجار به‌ویژه اواخر حکومت آن، می‌تواند نشانه‌ای مبنی بر زوال بیشتر آن باشد. گسترش بیماری‌های واگیردار و خطرناکی مانند آبله، طاعون، حصبه و مالاریا همراه با قحطی گسترده و نیز افزایش کشتار

مردم بر اثر رخ دادن قیام‌ها و شورش‌های متعدد در اواخر دوره قاجار، جان صدها هزار بلکه میلیون‌ها نفر ایرانی را گرفت و حکومت مرکزی ضعیف‌تر از قبل شد و زوال کم‌کم پا گرفت. (آبراهامیان، ۱۳۹۲: ص ۹۳).

## نتیجه‌گیری

پیدایش و استمرار قاجاریه با نظریه ابن‌خلدون و زوال و سقوط آن با نظریه نوخلدونی قابل بررسی و تبیین دقیق‌تر و کامل‌تری است و با واقعیات موجود و شواهد تاریخی تطبیق بیشتری دارد. در نظریه نوخلدونی، علاوه بر ارزیابی و به‌روز نمودن (روزآمدسازی) شاخص‌های نظریه ابن‌خلدون از قبیل عصبیت، موالی و انواع فساد، به عوامل جدیدی که در دوران معاصر در پایداری و به‌ویژه در سقوط حکومت‌ها مؤثر هستند، توجه شده است. این عوامل عبارت‌اند از: دخالت خارجی و فناوری‌های نوین.

آقامحمدخان با اتکا به عصبیت برتر و نیرومند ایل قاجار بر دولت زندیه چیره شد و حکومت قاجار را تأسیس کرد. تا اواخر نسل دوم قاجاریه و حکومت ناصرالدین‌شاه، عصبیت قاجاری از نیرومندی مناسبی برخوردار بود و نقش مهمی در استقرار کامل و استحکام قاجاریه داشت. ضمن آنکه توجه شاهان قاجار به دین اسلام و تعظیم نسبی شعائر دینی موقعیت این حکومت را استحکام بیشتری بخشیده بود. با به حکومت رسیدن نسل سوم قاجاریه و پیروزی نهضت مشروطیت مردم ایران و کاهش نسبی قدرت پادشاه، عصبیت قاجاری به سمت زوال رفت. هم‌زمان با کودتای انگلیسی رضاخان و قدرت گرفتن عصبیت رقیب یا همان نیروی نظامی قزاق که خواهان کسب قدرت بود، عصبیت قاجار دچار زوال بیشتری شد و اقتدار قومی خود را از دست داد. از طرف دیگر به دلیل شیوع تجمل‌گرایی و اشرافی‌گری و فاصله گرفتن شاهان و کارگزاران قاجار از مردم و خودکامگی و ستمگری آن‌ها و گسترش فساد در ابعاد مختلف سیاسی، اقتصادی و فرهنگی - اجتماعی و تشکیل «شبکه فساد» در حکومت قاجار، ناامیدی، نارضایتی و بی‌اعتمادی مردم، علماء و نخبگان جامعه به قاجاریه روزه‌روز بیشتر گردید و حکومت حمایت مردمی خود را نیز از دست داده، بیش از گذشته در سراسیمگی سقوط و در معرض نابودی قرار گرفته و در نتیجه اقتدار سیاسی‌اش به مرور متزلزل‌تر شد. در نهایت نیز با برگزاری انتخابات فرمایشی و تحت نفوذ و مداخله مستقیم نیروی قزاق، مجلس

ملی پنجم که اکثریت آن طرفدار و مطیع رضاخان بودند، تشکیل شد و این مجلس در نهم آبان ۱۳۰۴ ه.ش سلسله قاجاریه را در غیاب احمدشاه که در سفر طولانی فرنگ بسر می‌برد، منحل نموده و اداره مملکت را به‌طور موقت به رضاخان واگذاری کرد. سپس در طی ۴۲ روز، ضمن برگزاری انتخابات، مجلس مؤسسان که اکثریت نمایندگان آن‌ها از طرفداران رضاخان بودند، تشکیل گردید و سلطنت رسماً به پهلوی واگذار شد.

## منابع

### الف- منابع فارسی

- آبراهامیان، یروند (۱۳۹۲)، *ایران بین دو انقلاب*، مترجمین: کاظم فیروزمنند، حسن شمس‌آوری و محسن مدیرشانه‌چی، تهران: نشر مرکز، چاپ هجدهم.
- آدمیت، فریدون (۱۳۸۷)، *ایدئولوژی نهضت مشروطیت ایران*، تهران: انتشارات گستره، چاپ اول ناشر.
- آزاد ارمکی، تقی (۱۳۷۶)، *جامعه‌شناسی ابن‌خلدون*، تهران: انتشارات تبیان، چاپ اول.
- آوری، پیتر (۱۳۷۴)، *تاریخ معاصر ایران*، ترجمه محمد رفیعی، تهران: انتشارات عطایی، چاپ سوم.
- ابن‌خلدون، عبدالرحمن (۱۳۳۵)، *مقدمه ابن‌خلدون، با ترجمه محمد پروین گنابادی*، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، جلد ۱.
- احمدپناهی سمنانی، محمد (۱۳۷۶)، *فتحعلی‌شاه قاجار*، تهران: انتشارات نمونه، چاپ دوم.
- افخمی، غلامرضا (بی‌تا)، *زندگی و زمانه شاه*، آمریکا: انتشارات دانشگاه کالیفرنیا، چاپ نامعلوم.

- بشیریه، حسین (۱۳۸۷)، *موانع توسعه سیاسی در ایران*، تهران: انتشارات گام نو، چاپ ششم.
- پیرنیا، حسن؛ اقبال، عباس (۱۳۸۷)، *تاریخ ایران*، تهران: نشر سمیر. چاپ دوم.
- جانستون، میکائیل (۱۳۸۶)، *اقتصاد سیاسی فساد*، ترجمه علی بختیاری زاده، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی، چاپ اول.
- سیاح، حمید (۱۳۵۶)، *خاطرات حاج سیاح*، به تصحیح سیف‌اله گلکار، تهران، انتشارات مؤسسه امیرکبیر، چاپ دوم.
- سیف، احمد (۱۳۸۷)، *قرن گمشده (اقتصاد و جامعه ایران در قرن نوزدهم)*، تهران: نشر نی، چاپ اول.
- شیخ‌الاسلامی، جواد (۱۳۶۸)، *سیمای احمدشاه قاجار*، جلد یکم، تهران: نشر گفتار، چاپ اول.
- عالم، عبدالرحمن (۱۳۸۹)، *بنیادهای علم سیاست*، تهران: نشر نی، چاپ بیست‌ویکم.
- فراهانی، حسن (۱۳۸۵)، *روزشمار تاریخ معاصر ایران*، تهران: موسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، چاپ اول، ج ۱.
- فراهانی، حسن (۱۳۸۸)، *روزشمار تاریخ معاصر ایران*، تهران: موسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، چاپ اول، ج ۲.
- فراهانی، حسن (۱۳۸۹)، *روزشمار تاریخ معاصر ایران*، تهران: موسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، چاپ اول، ج ۳.

- فراهانی، حسن (۱۳۹۰)، *روزشمار تاریخ معاصر ایران*، تهران: موسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، چاپ اول، ج ۴.
- فراهانی، حسن، (۱۳۹۳)، *روزشمار تاریخ معاصر ایران*، تهران: موسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، چاپ اول، ج ۵.
- فریزر، جیمزبیلی (۱۳۶۴)، *سفر زمستانی: از مرز ایران تا تهران و دیگر شهرهای ایران*، ترجمه منوچهر امیری، تهران، نشر توس.
- قاضی‌مرادی، حسن (۱۳۹۰)، *استبداد در ایران*، تهران: انتشارات کتاب آمه، چاپ پنجم.
- کسروی، احمد (۱۳۶۳)، *تاریخ مشروطه ایران*، تهران، انتشارات امیرکبیر، چاپ شانزدهم.
- کی. جین، آرویند (۱۳۸۶)، *اقتصاد سیاسی فساد*، ترجمه علی بختیاری زاده، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی، چاپ اول.
- معجد، محمدقلی (۱۳۸۹)، *از قاجار به پهلوی (بر اساس اسناد وزارت خارجه آمریکا)*، مترجمین میرزائی و امیری، تهران: انتشارات موسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی.
- مدنی، سیدجلال‌الدین (۱۳۶۱)، *تاریخ سیاسی معاصر ایران*، قم: دفتر انتشارات اسلامی، چاپ دوم، جلد اول.
- مراغه‌ای، زین‌العابدین (۱۳۸۴)، *سیاحت‌نامه ابراهیم بیگ*، به کوشش محمدعلی سپانلو، تهران، نشر مرکز، چاپ یکم، ویراست دوم.



- مستوفی، عبدالله (بی‌تا)، شرح زندگانی من یا تاریخ اجتماعی و اداری دوره قاجاریه، تهران: چاپ تهران مصور، چاپ دوم، ج ۲.
- مکی، حسین (۱۳۶۲)، تاریخ بیست ساله ایران (انقراض قاجاریه و تشکیل سلسله دیکتاتوری پهلوی)، تهران: نشر ناشر، چاپ سوم، ج ۳.
- مهدی، محسن (۱۳۹۰)، فلسفه تاریخ ابن‌خلدون، با ترجمه مجید مسعودی، تهران، چاپ پنجم، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- مهربان، احمد؛ میراحمدی، منصور (۱۳۹۷)، «نوعیت؛ توسعه مفهوم ابن‌خلدون با نگاه به روند شکل‌گیری گروه داعش»، دوفصلنامه «پژوهش سیاست نظری»، پاییز و زمستان ۱۳۹۷، شماره ۲۴، صص ۱۳۹ تا ۱۷۲.
- ناظم‌السلام کرمانی (۱۳۹۱)، کتاب تاریخ بیداری ایرانیان، تهران: انتشارات کوشش، چاپ دوم.
- نجفی، موسی؛ فقیه‌حقانی، موسی، (۱۳۹۶)، تاریخ تحولات سیاسی ایران، تهران: انتشارات مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، چاپ سیزدهم.